یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۳
شماره ۴۲۲۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

تحرکات غربی‌ها برای اعمال تحریم‌های جدید چه معنایی دارد و در تهران چه پاسخی خواهد داشت

آرایش سال دهم برجام

■ ساسان کریمی: تحریم‌های جدید و بیانیه ضد ایرانی تروئیکا اقداماتی هم‌راستا با فعال‌سازی «اسنپ‌بک»اند

■ حسن بهشتی‌پور: برای جلوگیری از فعال‌شدن «اسنپ‌بک» باید هشدار خروج از NPT بدهیم

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

در چند روز اخیر دو خبر درمورد اقدامات غربی‌ها علیه ایران بود. ابتدا تروئیکای اروپایی ادعای تکراری کمک موشکی ایران به روسیه را مطرح کردند و به این بهانه اعلام داشتند در حال طراحی تحریم‌هایی علیه شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایرانند. در ادامه نیز این کشورها در اقدامی که به‌طور مرتب هر سه ماه یک‌بار همزمان با ارائه گزارش دبیرکل آژانس تکرار شده بیانیه‌ای علیه برنامه هسته‌ای ایران در نشست شورای حکام آژانس ارائه دادند. عباس عراقچی حین بازگشت هیات دولت از سفر عراق به تهران اقدام غربی‌ها و اعمال تحریم‌های جدید را یک اقدام شکست‌خورده و تعجب‌برانگیز توصیف کرد و در واکنش به این اقدامات گفت: «جمهوری اسلامی ایران با قوت به مسیر خودش ادامه می‌دهد اگرچه ما همواره مایل به گفت‌وگو بوده‌ایم. ما هیچ وقت گفت‌وگوهای سازنده برای رسیدن به درک مشترک درمورد مسائل مورد اختلاف را ترک نکرده‌ایم اما گفت‌وگو باید براساس احترام متقابل باشد نه براساس تهدید و فشار. تحریم‌ها ابزار فشار و تقابلند نه ابزار همکاری. تحریم در عمل نتوانسته کارایی خودش را ثابت کند. کشورهایی که روزی ما را برای سیم خاردار هم تحریم می‌کردند الان به فروش سلاح پیشرفته ایران اذعان دارند. این نتیجه تحریم‌ها بوده است. اینکه هنوز به دنبال این تجربه شکست خورده‌اند جای تعجب دارد. توصیه می‌کنم مسیر خودشان را عوض کنند.» همان‌طور که از اظهارات وزیر امور خارجه نیز قابل درک است اقدامات ضدایرانی اخیر غربی‌ها در چهارچوب اعمال فشار به ایران در گفت‌وگوهای احتمالی آتی است. اما استفاده از این ابزار بیشتر از آنکه باب امتیازگیری را فراهم آورد؛ پیام تقابل را به ایران داده و باب همکاری را مسدود می‌کند. مسیری که به نظر می‌رسد کشورهای غربی با توجه به نزدیک بودن سال دهم برجام نسبت به آن بی‌رغبت نباشند. با توجه به اینکه در این سال محدودیت‌های اشاعه‌ای ایران به‌طور کامل برداشته شده و پرونده‌های ایران نیز از شورای امنیت خارج می‌شوند این احتمال وجود دارد که کشورهای غربی بخواهند از آخرین فرصت‌های خود برای استفاده از مکانیسم «اسنپ‌بک» بهره برده و توافق برجام را به‌طور کامل برهم بزنند تا به این ترتیب در مسیر غیرامنیتی‌شدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران سنگ‌اندازی کنند. برای بررسی این گزاره به سراغ ساسان کریمی و حسن بهشتی‌پور، ۲ تن از کارشناسان بین‌الملل رفته‌ایم و نظر آنها درمورد همزمانی دو اقدام ضد ایرانی اخیر در سال دهم برجام را جویا شده‌ایم.

بیانیه تروئیکا و آمریکا برای امتیازگیری از ایران است

ساسان کریمی، تحلیلگر مسائل بین‌الملل معتقد است با توجه به اینکه دولت‌های غربی سابقه مذاکرات به‌نتیجه‌رسیده را با تیم سیاست خارجی فعلی داشته‌اند؛ اکنون نیز امید دارند تا باب مذاکرات بار دیگر گشوده شود. به همین دلیل نیز با بیانیه‌خوانی و تحریم به دنبال امتیازگیری از ایران در این مذاکراتند. کریمی این موضوع را این‌گونه تشریح می‌کند: «بیانیه‌ای اروپایی‌ها دادند، بعد آمریکایی‌ها و بعد هم شورای همکاری خلیج فارس بیانیه‌ای منتشر کرد. پیش از همه اینها هم تحریم ایران‌ایر انجام شد. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در ایران بعد از انتخابات اتمسفر جدیدی حاکم شده است و اصولگرایانی که در دولت سیزدهم کار را در دست داشتند به حاشیه رفتند و میانه‌روی اصلاح‌طلبانه‌ای جای آن را گرفت و پزشکیان با تیم ظریف و عراقچی قدرت را در دست گرفت، تحلیل طرف مقابل به‌خصوص آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها این است که با این تیم باید مذاکره کنند، بنابراین اگر قرار است مذاکره کنند، شرایط را سخت‌تر و واقعی‌تر می‌کنند که به نقطه‌ای برسانند که اگر به توافق رسیدند ایران همه چیز را نبرده باشد. در دوره قبل این‌طور نبود، توافق خیلی دور از دسترس بود. بنابراین نیازی نمی‌دیدند که اصلا ابراز موضع کنند. الان یکی از اتفاقات این است که اتمسفر جدید در ایران، آنها را به واکنشی انداخته که می‌خواهند، دست پیش بگیرند و ابتکار عملی را که در این دوسال داشتند، از دست ندهند. بنابراین سعی می‌کنند که ایران را در موضع انفعالی و پاسخگویی بیندازند، مخصوصا از طریق گزارشی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داده است.»

پاسخ به ۲ سوال اصلی می‌تواند پرونده‌های ضدایرانی را ببندد

بهشتی‌پور معتقد است پاسخ ایران به دو سوال اصلی آژانس و بسته شدن این پرونده‌ها که از سال ۲۰۰۳ علیه ایران مطرح است؛ باب بهانه‌جویی علیه برنامه هسته‌ای ایران را می‌بندد. او در این‌باره توضیح می‌دهد: «گزارش آژانس به‌خاطر دو سوال درمورد مکان‌هایی است که در آن مواد غنی‌شده پیدا شده و پاسخ ایران را قانع‌کننده ندانسته است. در موضوع مربوط به تحریم هواپیمایی ایران‌ایر هم چون چیز دیگری برای تحریم کردن نداشتند ایده تحریم ایران‌ایر را با بهانه‌گیری با این ادعا که ایران موشک‌هایی در اختیار روسیه قرار داده است؛ مطرح کردند. اگر دو موضوع متفاوت را در کنار هم قرار دهیم این‌گونه القا می‌کنیم که تمامی کفر در مقابل تمام اسلام قرار گرفته است. درحالی که این‌گونه نیست. اصل بحث این است که آنها بهانه‌های مختلف دارند و ما باید بهانه‌های آنها را بگیریم. ایران باید تلاش کند قطعنامه‌ها صادر نشود چون با هر پرونده برگ‌هایی برای فضاسازی علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران ایجاد می‌شود ما نباید بگوییم این پرونده‌ها ارزشی ندارد. این حرف درستی نیست. ما باید تمام تلاش‌مان را بکنیم که مانع از صدور قطعنامه‌ها شویم. تلاش‌مان هم باید در مورد حل دو مساله باقی‌مانده با آژانس باشد. ما باید این موضوع را یک‌بار برای همیشه حل کنیم به‌ویژه آنکه موضوع مطرح شده از سال ۲۰۰۳ یعنی ۲۱ سال پیش است. البته گزارش‌ها جدید است اما چیزهایی که به آن استناد می‌شود برای ۲۱ سال قبل است. دو سوال اصلی آژانس سوال‌هایی درمورد پیدا شدن ذرات اورانیوم در دو مکانی است که قبلا توسط ایران اعلام نشده بود. ایران هم توضیح داده که این مواد چرا آنجا بوده‌اند اما آژانس آن را قابل قبول ندانسته و قانع نشده است. باید ما اینقدر این موضوع را پیگیری کرده و جزئیات آن را بررسی کنیم تا این مساله حل شود. مثل دو مساله دیگری که قبلا وجود داشت و حل شد. زمانی که لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی بود هم شش سوال بود که حل شد. اینجور نیست که اینها سوالاتی حل‌نشدنی باشند. ذرات پیداشده در این مکان‌ها در حد پنج درصد هم نیست. اگر آنها ذرات اورانیوم با غنای بالا مثلا ۹۰ درصد پیدا می‌کردند شاید تئوری توطئه‌شان متقن‌تر می‌بود اما الان که ذرات ناچیزی یافت شده که خودشان هم گفته‌اند غنایش زیر پنج درصد است، ول‌کن ماجرا نیستند. اینها می‌گویند چرا در مکان‌های اعلام‌نشده بوده که توضیحش را هم مفصل ایران قبلا داده است. این موضوع را می‌شود حل کرد و بهانه را از طرف مقابل گرفت.»

ایران نه خلاف NPT عمل کرده و نه بازرسی‌ها را مسدود کرده است

در بیانیه خوانده‌شده توسط تروئیکا، غنی‌سازی ۶۰ درصدی ایران و نیز محدودیت در ورود برخی بازرسان آژانس مورد اعتراض قرار گرفته است. حسن بهشتی‌پور کارشناس مسائل بین‌الملل این دو اتهام را در گفت‌وگو با «فرهیختگان» این‌گونه پاسخ می‌دهد: «آنها می‌گویند ایران نمی‌تواند غنی‌سازی ۶۰ درصدی انجام دهد، خلاف پیمان NPT است. در این پیمان محدودیتی برای غنی‌سازی وجود ندارد. مادامی‌که فعالیت‌های هسته‌ای یک کشور زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای باشد محدودیتی برای غنی‌سازی وجود ندارد. اینها با استاندارد دوگانه مانع از غنی‌سازی ۶۰ درصدی ایران می‌شوند درحالی‌که اولا فعالیت ایران کاملا زیر نظر آنهاست و ایران نه به واحد کیلوگرم که به واحد گرم میزان غنی‌سازی خود را به آژانس گزارش می‌کند. پس آنها در چهارچوب NPT هیچ بهانه‌ای ندارند اما اگر منظورشان برجام است چون خودشان هم برجام را اجرا نکرده‌اند؛ می‌دانند که حقی برای مطالبه کردن از ایران ندارند. آنها می‌گویند تعدادی از بازرسان آژانس موفق نشده‌اند از ایران ویزا بگیرند درحالی‌که اولا این تعداد به دلیل عملکرد مشکوک‌شان ویزا نگرفته‌اند و به غیر از آنها تعداد زیادی از بازرسان آژانس به‌طور مرتب درحال بازدید از تاسیسات هسته‌ای ایرانند. این موارد بهانه‌سازی برای فضاسازی منفی علیه ایران است والا گزارش‌هایی را که هر سه ماه یک‌بار توسط آژانس ارائه می‌شود، همین بازرسانش می‌دهند که در ایران حضور دارند. آژانس انتظار داشت ایران دوربین‌های قطع‌شده را مجددا فعال کند و نظارت‌ها افزایش یابد. ایران هم توقع داشت طرف مقابل همراهی بیشتری نشان دهند وقتی همکاری نمی‌کنند ایران هم کاری را که وظیفه‌اش نیست، انجام نمی‌دهد. ایران در چهارچوب پادمان که همان ترتیبات اجرایی NPT است از ۱۹۷۳ دارد وظایفش را انجام می‌دهد.

اینکه آنها با زیاده‌خواهی بخواهند مطالبات بیشتری را مطرح کنند، خب طبیعی است که ایران هم زیر بار نرود چون به نتایجی که می‌خواسته نرسیده است. البته ایران پس از اسفند ۱۴۰۱ هم کارهایی انجام داد اینها چیزهای بیشتری می‌خواهند. ایران می‌گوید شما آن دو سوال را حذف بکنید ما هم توافقات‌مان را اجرایی می‌کنیم. من معتقدم اگر غربی‌ها خواهان اجرای سریع‌تر توافق با آژانس‌اند خب بیایند بگویند دو سوالی که مربوط به سال ۲۰۰۳ بوده پرونده‌اش را ببندند. اگر برای همیشه این موضوع را ببندند ایران هم انگیزه‌ای پیدا می‌کند تا توافقی را که سال ۱۴۰۱ انجام شد، به نتیجه برساند.» کریمی نیز مطالبه عدم پایبندی ایران به برجام را که در متن بیانیه برای چندمین بار مطرح شده غیرمنطقی دانسته و می‌گوید: «گزارش‌ها و بیانیه‌هایی که از آژانس بیرون می‌آید طبیعی است، می‌گوید ایران به تعهدات برجامی پایبند نیست. ایران خود اعلام کرده که من دیگر به تعهدات برجامی پایبند نیستم ذیل مکانیزیمی که در پاراگراف ۲۶ برای خود تعریف کرده است. بنابراین چیز عجیبی نیست اما به نظر می‌رسد همه این موضوعات به انضمام ادعای ارسال موشک‌های بالستیک و بعد تحریم‌های ایرلاین ایرانی، یک آتش تهیه‌ای است برای امنیتی‌سازی ایران و اتفاقاتی که در این سه سال شروع کردند و از موضع طلبکار کامل، ایران را به بدهکار تبدیل کردند، تیمی که سرکار آمده تلاش می‌کند که از برگرداندن این موضوع که امنیتی‌سازی ایران است، جلوگیری کند و سعی دارد آتش تهیه‌ای را تدارک ببیند.»

ادعای موشک دادن به روسیه ذیل برجام قابل پیگیری نیست

تحریم هواپیمایی ایران‌ایر برای حمل‌ونقل هوایی ایران آسیب ایجاد می‌کند. کریمی در این‌باره معتقد است تحریم هوایی ایران منافع قطر و ترکیه را که نقش واسط در ترانزیت مسافری ایران ایفا می‌کنند، تامین می‌کند: «تحریم ایران‌ایر در تجارت ما ایجاد اشکال و به‌شدت لجستیک ما را دچار چالش می‌کند ولی در عین حال خیلی به نفع ترکیه و قطر است که از حمل‌ونقل بار و مسافر ما سهم خواهند برد و ناوگان‌شان را تقویت خواهند کرد.» علی‌رغم این آسیب اما بهانه‌جویی در مورد تبادل تسلیحاتی با روسیه در چهارچوب برجام قابل پیگیری نبوده و دولت‌های غربی نمی‌توانند تحریم‌های سابق را بازگردانند، به همین دلیل نیز به سراغ روش‌های جدید برای تحریم کردن اندک موارد باقی‌مانده می‌روند. بهشتی‌پور در این‌باره توضیح می‌دهد: «تحریم‌های تسلیحاتی ایران تمام شد. ترامپ می‌خواست قطعنامه‌ای از شورای امنیت بگیرد تا تحریم‌های تسلیحاتی ایران برگردد که ۹ کشور به آن رای ممتنع دادند، دو کشور مخالف دادند و فقط آمریکا و دومنیکن رای موافق دادند. مهر ماه سال جاری هم پایان دوره ۱۰ساله کل برجام است؛ یعنی غروب برجام. لذا ادعایی که در مورد دادن موشک به روسیه مطرح می‌شود با استناد به برجام قابل پیگیری نیست. آنها به همین دلیل با متجاوز نامیدن روسیه، از بابت کمک ایران به یک کشور متجاوز، علیه ایران تحریم وضع می‌کنند که این هم از جانب ایران صریحا رد شده است. ما هم می‌توانیم در فضای تبلیغاتی‌مان از آنها بپرسیم که آنها چرا به اسرائیل به‌عنوان یک دولت متجاوز که درحال نسل‌کشی است، کمک نظامی می‌کنند. ادعای موشک دادن ایران به روسیه صریحا از جانب وزیر خارجه رد شده اما آنها اصرار دارند بر این امر. چرا موشک دادن را مشکل‌دار معرفی می‌کنند؟ چون روسیه را متجاوز به اوکراین می‌دانند و می‌گویند شما به‌عنوان حامی یک دولت متجاوز باید با تبعاتی مواجه شوید. هم‌زمان خودشان با این توجیه که اوکراین در موضع تدافعی قرار دارد از او حمایت و جنگ را طولانی می‌کنند.»

اقداماتی هم‌راستا برای فعال‌سازی اسنپ‌بک

کریمی معتقد است تحریم ایران‌ایر و بیانیه تروئیکا هماهنگ شده نیست اما توضیح می‌دهد این موارد می‌تواند در راستای فعال‌سازی اسنپ‌بک هماهنگ عمل کنند. او این موضوع را این‌گونه تشریح می‌کند: «این دو موضوع هماهنگ‌شده نیست، هم‌راستاست. این موضوعات از جنس دسیسه نیست، از جنس منافع است. این‌طور نیست که گروهی نشسته و همه اینها را طراحی کرده. الان اروپایی‌ها به دنبال‌اند که بتوانند بهانه‌گیری مضاعفی از ایران کنند برای اینکه بتوانند اسنپ‌بک را فعال کنند یعنی تا اواسط تابستان بعدی. آخرین مهلت برای اسنپ‌بک در اکتبر ۲۰۲۵ است و بعد از آن دیگر نمی‌توانند، انجام دهند. اکتبر ۲۰۲۵ غروب آخر برجام است که در سال دهم، منتهی به از میان رفتن تمام قطعنامه‌های ششگانه شورای امنیت ملل متحد می‌شود.

همان کاغذپاره‌هایی که احمدی‌نژاد به بار آورد و نهایتا بعد از تمام این خسارت‌هایی که کشور متحمل شد، قرار است که برای همیشه به پیش از دوران احمدی‌نژاد برگردیم، ولی به هرحال طبیعی است که طرف‌های غربی تلاش کنند در شرایط کنونی که ایران تمام توانش را در موضوعات هسته‌ای به کار می‌گیرد، به این امر دست پیدا نکند. البته خنثی کردن این امر نیازمند طراحی و اجرای دقیق است که به نظر از بضاعت دستگاه‌هایی مثل وزارت امور خارجه خارج است و نیازمند یک طراحی فورس جداگانه و بین‌دستگاهی است.»

بهشتی‌پور نیز اگرچه اعتقاد دارد از هم‌زمانی بیانیه اروپا و تحریم ایران‌ایر پیام خاصی برداشت نمی‌شود اما معتقد است این امر بهانه‌ای برای اعمال فشار به ایران خواهد بود. او در مورد این اتهام که می‌تواند در میز مذاکره احتمالی با ایران ابزاری برای اعمال فشار قرار گیرد، توضیح می‌دهد: «اروپایی‌ها هر سه ماه یک‌بار یک بیانیه ضدایرانی به آژانس می‌برند. من از الان می‌گویم در سه ماه آینده هم باز یک موضوع دیگری رخ می‌دهد. این یک کار رسانه‌ای است. مشابه همین بیانیه را در خرداد ماه گذشته تروئیکا صادر کرده بود، لذا از این هم‌زمانی ارتباط خاصی برداشت نمی‌شود. این دعوا بهانه است برای اعمال فشار به ایران.»

حرکت به سمت اسنپ‌بک چگونه کُند می‌شود؟

درصورتی‌که تروئیکا بخواهد با فعال‌سازی مکانیسم ماشه قطعنامه‌های ضدایرانی را در شورای امنیت احیا کند، ایران باید برای مقابله با آن طراحی داشته باشد. چنین طراحی را نمی‌توان به دقایق پایانی موکول کرد و باید هم‌زمان با رفتارهای خصمانه غربی‌ها طراحی را پیش برد. کریمی در مورد راهکار کُند کردن فعال‌سازی اسنپ‌بک معتقد است با سازوکارهایی که الان وجود دارد بعید است ما بتوانیم با سرعت و دقت کار کنیم. او در این‌باره پیشنهاد می‌دهد یک گروه هماهنگ‌کننده برای انتقال پیام سریع به دستگاه‌های مختلف ایجاد شود. این کارشناس مسائل بین‌الملل ایده‌اش را این‌گونه تشریح می‌کند: «ما نیازمند یک ترنس فورس در تهران هستیم که بتواند هماهنگی بین چند نهاد را به‌طور روزانه انجام دهد که می‌تواند ذیل وزارت خارجه باشد. یعنی یک تیم سه نفره‌ای وجود داشته باشد که به وزیر امور خارجه پاسخگو باشند اما هماهنگی بین سازمان انرژی اتمی، شورای عالی امنیت ملی، وزارت خارجه و نمایندگی ما در وین را به‌طور روزانه پیگیری کند. به هرحال بتواند سازوکارهای مقتضی را برای ایجاد هماهنگی بین‌دستگاهی فراهم کند، ضمنا برای هرگام سیاست‌سازی کند. وزارت خارجه کارهای زیادی برای انجام دارد. یک سفر برای رئیس جمهور ۷ تا ۱۰ روز ظرفیت این وزارتخانه را مشغول می‌کند، بنابراین توقعی نیست که فقط به موضوع هسته‌ای بپردازد اما طرف‌های مقابل این‌گونه نیستند و ترنس فورس‌هایی دارند که خیلی پیگیرانه روی دیپلماسی و طراحی ابزارهای فشار کار می‌کنند. ما برای مقابله با آن باید یک گروه واکنش سریع را فعال کنیم که بتواند با هماهنگ‌سازی و کسب مشورت از دانشگاهیان در سیاست‌سازی و تصمیم‌سازی کار کند و در مذاکرات به ما کمک کند تا ما دست پیش را داشته باشیم. این شبیه همان کاری است که ظریف در سال ۹۳ انجام می‌داد اما الان یک تیم نیاز است تا نگذارد این مساله تکرار شود. ترنس فورس باید با لحاظ کردن همه موضوعات پیرامونی بتواند برای ما راهکار طراحی کند.»

بهشتی‌پور نیز برای مقابله با فعال‌سازی اسنپ‌بک تاکید بر خروج از NPT را پیشنهاد داده و توضیح می‌دهد: «اروپایی‌ها می‌دانند در مهرماه ۱۴۰۴ دوره برجام تمام می‌شود. اگر آنها می‌خواهند قطعنامه‌های شورای امنیت را مجددا فعال کنند، باید بدانند ایران هم رسما از NPT خارج خواهد شد. ایران این را اعلام کرده است. وقتی ما قراردادی را امضا می‌کنیم و آن را اجرا هم می‌کنیم، بعد طرف اصلی یعنی آمریکا از آن خارج می‌شود و احیای قطعنامه‌های ضدایرانی در دستور کار قرار می‌گیرد، این یعنی نمی‌خواهند با ما کار کنند.

در این صورت ایران هم چیزی که گفته را انجام خواهد داد. لذا ریسک استفاده از اسنپ‌بک و بازگرداندن قطعنامه‌ها بیشتر از آن خواهد بود که بخواهند مذاکرات را با ایران ادامه بدهند. خروج ایران از NPT موضوع کمی نیست و ضررش برای غربی‌ها بیشتر از ایران است. بنابراین آنها به این سمت نمی‌روند و اگر بروند هم ایران با وضعیت موجود چیزی را از دست نمی‌دهد اما برای آنها بدتر خواهد شد؛ چراکه همین کنترلی که آژانس دارد و هر سه ماه یکبار هم گزارش می‌دهد، دیگر وجود نخواهد داشت.»

اعمال فشار برای امتیازگیری در مذاکرات با فعال‌سازی اسنپ‌بک تناقضی ندارد

اینکه همزمان با روی کار آمدن تیمی در وزارت خارجه که سابقه مذاکرات با طرف غربی را دارند، آمریکا و دولت‌های اروپایی بخواهند به سمت فعال‌سازی مکانیسم ماشه بروند نوعی تناقض را در رفتار آنها نمایان کرده و این سوال را به وجود می‌آورد که آنها چرا حتی با دولت جدید ایران از در تنش وارد شده‌اند. این تناقض این‌گونه قابل توجیه است که غربی‌ها در اولویت اول می‌خواهند با اعمال فشار در میز مذاکرات احتمالی از ایران امتیاز بگیرند اما آنها ابایی هم از حداکثرسازی تنش ندارند، به‌ویژه که در سال دهم برجام محدودیت‌های اشاعه‌ای ایران به‌طور کامل برداشته می‌شود. ساسان کریمی این موضوع را این‌گونه تشریح می‌کند: «در اینکه آنها طرف مقابل ما هستند تغییری ایجاد نشده است. هروقت طرف مقابل قوی‌تر باشد شما سعی می‌کنید با تجهیزات و تسلیحات بیشتری به سراغش بروید، بنابراین چون دولت جدید، دولت قوی‌تری از نظر پیگیری گفت‌وگوهای دیپلماتیک است، کمربندها در طرف مقابل سفت‌تر شده و آنها خود را بیشتر تجهیز خواهند کرد. چون اگر مذاکراتی آغاز شود، واقعی‌تر خواهد بود. این‌طور نیست که تمایل آنها برای مذاکره کم و زیاد می‌شود. آنها می‌بینند که امکان مذاکره نتیجه‌بخش وجود دارد ولی کارشان دشوارتر است، بنابراین تلاش می‌کنند مذاکرات را از جای مناسب‌تری برای خودشان شروع کنند و طبیعی است اما آنها اصلا ابایی ندارند که وارد تنش شوند. غربی‌ها نشان دادند که همیشه بیشترین کارشکنی را در کار دولت‌های میانه‌رو می‌آورند. معمولا این‌طور بوده است. بنابراین مشکلی نمی‌بینند که دولت جدید را هم سنگ روی یخ کنند اما اینکه موفق می‌شوند یا خیر بستگی به دستگاه دیپلماسی ما، دولت ما، وزیر خارجه ما و طراحی‌های ما دارد.»

نگاهی به متن و حاشیه سفر مسعود پزشکیان به عراق و دیدار با مقامات اقلیم کردستان

اولین اشتباه دیپلماتیک

مهدی خانعلی‌زاده
کارشناس سیاست خارجی

اولین سفر رسمی مسعود پزشکیان در جایگاه ریاست جمهوری ایران، به کشور عراق بود؛ کشوری که به دلایل مختلف -از همسایگی تا فعالیت در جبهه مقاومت- اهمیت فراوانی در ساختار سیاست خارجی کشورمان دارد و نوع ارتباط تهران با بغداد علاوه بر اینکه می‌تواند زمینه‌ساز تامین یا آسیب به منافع ملی ایران باشد، امکان تاثیرگذاری بر روندهای دیگر خارجی در منطقه را نیز داراست. بر همین مبنا، این سفر می‌توانست به عنوان یک مطلع درخشان در دولت چهاردهم در نظر گرفته شود که هرگونه ابهام نسبت به عملکرد دستگاه دیپلماسی جدید را برطرف کند. با این حال، نوع عملکرد و فرآیندی که در این سفر از سوی دستگاه دیپلماسی کشورمان تجویز و از سوی رئیس جمهور عملیاتی شد، به این مساله منجر نشد. اوج خطای دیپلماتیک مسعود پزشکیان و همراهانش در این سفر، دیدار با رئیس اقلیم کردستان عراق بود. اساسا مسعود بارزانی یک جایگاه و عنوان حقوقی رسمی ندارد و صرفا به عنوان رئیس یک حزب سیاسی فعالیت می‌کند و شأنی برای دیدار با رئیس جمهور ایران ندارد. اگر این اقدام صرفا دعوت و حضور بارزانی در تهران بود، قابل پذیرش بود؛ چراکه دولت ایران می‌تواند میزبان رؤسای گروه‌ها و احزاب مختلف -با حفظ آداب دیپلماتیک و پروتکل‌های تشریفاتی- باشد اما سفر رئیس جمهور کشورمان به اقلیم کردستان عراق و دیدار با بارزانی، قطعا اقدامی نادرست و مغایر با منافع ملی است.

از طرف دیگر، در این دیدار مسعود پزشکیان همتراز با مسعود بارزانی در یک جایگاه قرار گرفتند که نه تنها ارتباطی با شئونات سیاسی و بین‌المللی کشورمان ندارد و به هیچ عنوان قابل پذیرش پروتکلی نیست، بلکه اساسا این اقدام نوعی از نقض حاکمیت ملی عراق به عنوان یک کشور همسایه و یکی از اعضای جبهه مقاومت به شمار می‌رود؛ چراکه گویا دو رئیس جمهور در این کشور وجود دارند که هر دو نفر در یک سطح با رئیس جمهور ایران دیدار کرده‌اند. باید توجه داشت که در علم روابط بین‌الملل، واحدهای سیاسی مختلف تنها دارای یک حکومت مرکزی‌اند و سایر چهارچوب‌های حکمرانی ذیل آن دولت مرکزی تعریف می‌شوند. نظریه «توپ بیلیارد» که از سوی اندیشمندان روابط بین‌الملل مطرح می‌شود، دقیقا به همین مساله اشاره دارد که فقط دولت‌ها -فارغ از تقسیمات سیاسی داخلی آنها- نماینده واحدهای سیاسی در سطح جهانی‌اند؛ یعنی تحولات درونی کشورها تاثیری روی روابط خارجی آنها به عنوان نماینده آن واحد سیاسی ندارد. به عنوان مثال، هیچ‌وقت رئیس جمهور یک کشور اروپایی با رئیس یک حزب داخلی کشور دیگر اروپایی دیدار رسمی برگزار نمی‌کند؛ حتی اگر آن کشور دارای ساختار فدرالی باشد. به همین دلیل، دیدار رسمی رئیس جمهور کشورمان صرفا باید با رئیس جمهور عراق صورت می‌گرفت و اگر برنامه‌ای برای دیدار با رئیس اقلیم کردستان هم وجود داشت، باید در حاشیه سفر و در یک چهارچوب محدود صورت می‌گرفت تا شائبه مخدوش کردن حاکمیت ملی عراق را به همراه نداشته باشد.

به نظر می‌رسد تیم دیپلماسی دولت چهاردهم آمادگی لازم برای برگزاری این سفر مهم را نداشته‌اند و به همین دلیل، جزئیاتی که عدم رعایت هر کدام از آنها می‌تواند در حکم آسیب به منافع ملی ایران باشد، رعایت نشده‌اند. این یک زنگ خطر بزرگ برای دولت چهاردهم است؛ دولتی که در ماه‌های آینده، با مسائل مهم بین‌المللی روبرو است و در صورتی که بخواهد به اسم «سادگی و تواضع»، اینگونه پا روی اصول سیاست خارجی کشورمان بگذارد، قطعا با اشکال‌های جدی روبه‌رو خواهد شد. سیاست خارجی و مسائل مرتبط با روابط بین‌الملل، موضوعاتی حساس و دقیق‌اند که عملیاتی کردن هر کدام از آنها نیازمند بررسی دقیق و کارشناسی است و نمی‌توان و نباید به اسم «مردمی بودن»، مراحل متعدد را کنار گذاشت و بدون برنامه، اقدام به انجام سفر خارجی کرد. از دولت و شخص رئیس جمهور محترم و همچنین مجلس و رئیس محترم آن انتظار می‌رود با بازخوانی انتقادی این سفر و توجه به ایرادهای آشکاری که در آن وجود داشت، آنها را رفع و در سفرهای دیپلماتیک بعدی جبران کنند.